

توصیه های آیت الله العظمی مدرسی به مناسبت ماه محرم

آیت الله العظمی مدرسی از مراجع معظم تقلید کربلا با صدور پیامی به مناسبت ماه محرم توصیه های مهمی را به عزاداران حسینی بیان نمودند.

به گزارش کلینیک روح درمانی ([تهذیب آنلاین](#))؛ آیت الله العظمی سید محمد تقی مدرسی از مراجع معظم تقلید کربلای معلا به مناسبت ماه محرم حسینی پیامی مشروح با عنوان « با الهام گرفتن از نهضت حسینی، چگونه امت اسلامی را در مسیر تحول و پیشرفت قرار دهیم؟ » صادر نمودند. معظم له در این پیام در آستانه یادمان آن حماسه جاوید، مردم را هرچه آشکارتر به الهام گرفتن هرچه بیشتر از عبرت‌های عاشورا و بهره گرفتن هرچه عمیق تر از روح حماسه کربلا و نیرو گرفتن هرچه تمام تر از اراده عاشورائیان دعوت نمودند.

متن کامل این پیام که یک نسخه فارسی آن در اختیار خبرنگار ایکننا قرار گرفته، به شرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرحيم و صلی الله علی محمد و آله الطاهرين

با الهام گرفتن از نهضت حسینی چگونه امت اسلامی را در مسیر تحول و پیشرفت قرار دهیم

نخست: عربها و شك رسالت

رسالت پیامبر اکرم صلوات الله علیه درحالی برای تعالی و بالابردن درجه کمال انسانها فرو فرستاده شد که عربها در منجلاّب تاریکی و جاهلیتی کور می‌غلتیدند. از همین رو رسالت الهی چون شك و هولی سهمگین بر عرب نازل شد، حال پرسش اینجاست که عرب چگونه با این رسالت الهی روبه‌رو شد؟

الف: برای پاسخ به پرسش فوق باید گفت که افراد اندکی از عربها به ریسمان رسالت چنگ زده و به یاری خدا تا قله رسیدند، اینها همان سابقون نخستین از مهاجر و انصار و تابعان نیک ایشان بودند، همانها که پیامبر گرامی اسلام صلوات الله علیه ایشان را اینگونه توصیف نمودند: «بردباران و دانشمندانی که چنان از فقه بهره بردند

که تو گویی تا آستانه پیامبری پیش رفتند». همچنین پیشرو و امام ایشان علی بن ابیطالب علیه السلام آنان را اینگونه توصیف نمودند: «راهبان شب و شیران روز که در روز، روزه دار و در شب، شب زنده دارند».

ب: گروهی دیگر از اعراب به امید اینکه ایمان به قلبشان وارد شود، تسلیم خدا و رسالت الهی شدند، و از این رهگذر مراحل فهم معانی رسالت را طی نموده تا اینکه ایمان به دروازه دلشان رسید. خداوند متعال درباره ایشان می‌فرماید:

(قَالَاتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُوْمِنُوا وَلَا يَكْفُرُ قَوْلُكُمْ أَسَلَمْنَا وَلَمْ يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ).

«عرب‌های بادیه نشین گفتند: ایمان آورده‌ایم بگو: شما ایمان نیاورده‌اید، ولی بگویید اسلام آورده‌ایم، امّا هنوز ایمان وارد قلب شما نشده است!».

ج: گروه سوم - و البته خطرناک - از ایشان همانهایی بودند که در ظاهر ایمان آورده ولی در واقع کفر خود را پنهان می‌داشتند. خداوند متعال درباره ایشان می‌فرماید:

(وَمِمَّنْ حَوْلَكُم مِّنَ الْأَعْرَابِ مُنَافِقُونَ وَمِمَّنْ أَهْلُ الْمَدِينَةِ مَرَدُّوا عَلَىٰ الذِّفَاقِ).

«و از (میان) اعراب بادیه نشین که اطراف شما هستند، جمعی منافقند؛ و از اهل مدینه (نیز)، گروهی سخت به نفاق پای بندند».

از آن رو که انسان در تعامل با «شُک رسالت» هنوز از همان آسیب‌هایی رنج می‌برد که اعراب، در وهله نخست از آن رنج بردند، پس حضور سه گروه پیش گفته در میان جوامع امروز نیز هرچند به نسبت‌هایی متفاوت همچنان برقرار خواهد بود.

در این بین خطرناک‌ترین امر این است که با گذشت زمان «نفاق» به فرهنگی نهادینه در نهاد مردم تبدیل شده است. فرهنگی که امروزه از رهگذر تأویل و تفسیراتی که خداوند برای آن‌ها برهانی نازل ننموده است، بیش از پیش به بهانه جوی‌های گوناگون مجهز شده است.

عاشورا، اما در گذر تاریخ بلند مدت‌مان همواره چون یک شُک نو به نو شده رسالت الهی، جان‌های به خواب رفته در ژرفنای غفلت بلکه

جان‌های خفته در تودرتوی نفاق را بیدار کرده و امواج پی در پی مملو از بهانه‌جویی‌های نفاق‌آمیز و توجیه‌های برآمده از خمودگی را رسوا ساخته است.

از همین رو است که خطیبان و سخنوران در طول تاریخ تشیع همواره بر نقاط عطف تاریخی سیره سید الشهداء علیه السلام تکیه کرده و این برهه‌های حساس از سیره ایشان را روایت می‌کنند، اینکه امام حسین علیه السلام چگونه والی بنی امیه در مدینه را مخاطب قرار داده و فرمودند: «یزید مردی فاسق و شرابخوار است، او قاتل نفس حرام و کسی است که افراد پاک و با حرمت را می‌کشد و فسق و فجور خود را آشکارا مرتکب می‌شود، و چون منی با چون او بیعت نمی‌کند».

و اینکه حضرت امام حسین علیه السلام چگونه از مکه خارج شده و فرمودند: «مرگ برای فرزندان آدم، چنان گردن‌بند بر گردن دخترکان، نقش بسته است، چقدر شیفته دیدار گذشتگان خود هستم! همانند اشتیاق یعقوب به یوسف».

و اینکه در چه موقعیتی تعبیر «هیئات منّا الذلّه» (ذلت و خواری از ما دور است) را به کار بردند.

و اینکه داستان حر بن یزید ریاحی - آن فرمانده ارشد سپاه بنی امیه - چه بود که وقتی خود را در دو راهی بین بهشت و جهنم یافت اینگونه عرضه داشت: «به خدا که من خود را مخیر بین بهشت و آتش جهنم می‌بینم، پس به خدا سوگند چیزی را بر بهشت ترجیح نمی‌دهم هرچند قطعه قطعه و سوزانده شوم» و اینکه چگونه پس از این جملات به دل سپاه زد و با مرگ روبرو شد و در نهایت به درجه رفیع شهادت نائل آمد.

حر بن یزید ریاحی، اینگونه اسوه‌ای شد برای تمام فرماندهان آزاده، در حالی که آن دیگری پستی گزید و مملکتی را انتخاب کرد و جز خواری دنیا و عذاب دوزخ چیزی برای خود نخرید. او که حکایتش به نمونه و مثلی برای خواری و ذلت تبدیل شد، بله او عمر سعد بود که گفت:

(ملک ری را رها کنم در حالی که رسیدن به آن آرزوی من است؟)

یا اینکه با کشتن حسین بدنامی برای خود خریده و بازگردم؟

فرجام کشتن او جز آتشی حتمی که هیچ چیز نخواهد توانست

در برابر آن قرار گیرد نخواهد بود، در حالی که ملک ری نور دیده (من است).

گفتمان حسینی همواره ضرورت تعالی یافتن دوشادوش رسالت الهی و عدم فروافتادن در مهلکه نفاق را به امت گوشزد می‌کند. از همین رو یک خطیب حسینی همواره نمونه‌هایی از تجربه‌های روزمره جوامع، به ویژه جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند و برای ارتقای تلاش می‌کند را برمی‌گیرد، تا تاریخ، به مثابه دانشی فقط برای گذران وقت و تفریح نباشد، بلکه به انقلابی درونی و انگیزه‌ای بزرگ برای ادامه زندگی شرافتمندانه تبدیل شود.

دوم: عاشورا چگونه فضای توجیه‌گری را به هم می‌زند؟

نفاق امروزه دیگر مسئله‌ای شخصی نیست، بلکه فرهنگی است مملو از مغالطه و بهانه جویی و توجیه‌گری، که انسان‌ها را به منفی‌نگری و شکست باوری و هرآنچه که در آن روزگار از کوفیان سر زده بود فرا می‌خواند. این توجیه‌گری، شیوع شعار: (ما را با کار پادشاهان چکار؟) در میان کوفیان را به همراه داشت، امری که جز زیانی بزرگ در دنیا و آخرت برای ایشان چیزی به ارمغان نیاورد.

اما پرسش اینجاست که چگونه می‌توان از رهگذر عاشورا به جنگ این فرهنگ رفت؟ فرهنگی که هنوز که هنوز است عامل اصلی شکست‌های امت به شمار می‌رود.

در پاسخ به این پرسش می‌توان گفت که از رهگذر اقداماتی چند می‌توان با سلاح عاشورا به جنگ فرهنگ نفاق رفت. این اقدامات عبارت اند از:

الف: بیان میزان هماهنگی نهضت حسینی با بینش‌های وحی الهی. مگر امام حسین علیه السلام همو نیست که رسول خدا صلوات الله علیه و آله درباره وی فرمودند: «حسین از من و من از حسینم، خداوند کسی را که حسین را دوست بدارد، دوست می‌دارد»، مگر امام حسین علیه السلام همو نیست که پیامبر گرامی اسلام صلوات الله علیه و آله درباره وی فرمودند: «حسن و حسین هر دو امامند چه قیام کنند و چه قیام نکنند»؟ درواقع این جملات از بین دو لب قرآن ناطق خارج شده‌اند. کسی که هر حرکت و هر سخن و هر موضع‌گیری‌ای که از او صادر شده است - همچون حروف کتاب خداوند سبحان - عین حقیقت است.

اگر روایتگر عاشورا - چه خطیب و چه شاعر و مداح - بتواند در روایتگری خود از سیره امام حسین علیه السلام به آیات قرآن کریم از

آیات جهاد و شهادت گرفته تا آیات صبر و استقامت و حتی آیات اخلاقی که در واقعه عاشورا نمود یافته‌اند، استناد کند، بی‌گمان سخنش رساتر و با غنای بیشتری به مخاطب خواهد رسید و این سخن بی شک بهتر می‌تواند فرهنگ توجیه‌گری را به چالش کشد.

ب: بیان وجوه شباهت شرایطی که نهضت حسینی در آن شکل گرفت با شرایط امروزی یکی دیگر از این اقدامات است. چرا که، شاید نام‌ها امروز تغییر کرده باشند اما گوهر حوادث امروز و روزگاری که نهضت امام حسین علیه السلام در آن شکل گرفت، یکی است. اما در مرحله بعد باید وظیفه‌مان نسبت به شرایط تبیین شود، وظیفه‌ای که شاید فقط نسخه‌ای کهنه از شرایط دوره نهضت حسینی به نظر آید، اما در هر صورت از جنبه محتوایی تفاوتی با عصر حاضر ندارد.

بی شک قیام امام حسین علیه السلام علیه طغیان و شرک و ظلم، الگویی والا برای هر قیام و انقلابی است. در واقع در صورت یادآوری ابعاد و بزرگی این قیام، هیچ کس نمی‌تواند از مسؤولیت خود در این زمینه شانه خالی کند.

چه کسی را می‌توان با سید الشهداء، و کدامین خون را می‌توان با آن خون پاکی که در راه خدا ریخته شد مقایسه کرد؟

کدام بانوان با حرمت تر از بانوان اهل بیت رسول خدا صلوات الله علیه می‌باشند، و کدام حادثه بزرگ‌تر از حادثه عاشورا تواند بود؟ حادثه ای که در آن خون برگزیدگان اهل زمین، در راه خدا ریخته شد.

در اینجا باید این پرسش را مطرح کرد که آیا با این وجود کسی می‌تواند از بار مسؤولیت خود در قبال این حادثه شانه خالی کند؟

در حقیقت شعارهای:

«یا لثارات الحسین»

«هیئات منّا الذله»

«یا لیتنی کنت معکم فافوز فوزا عظیما»

(ای کاش همراه شما بودم تا به پیروزی بزرگی دست می‌یافتم).

شعارهای هر مسلمان پیرو اهل بیت است، شعارهایی که هر نسل از نسل دیگر فرامی‌گیرد.

این تعبیر که هر روزه و به ویژه در ایام عاشورا از حنجره صدها میلیون نفر خارج می‌شوند، در واقع برآمده از فرهنگ مبارزه‌اند، فرهنگی که بنیان فرهنگ توجیه‌گری را فرو میریزد و همچون اشعه تیز خورشید، ابرهای تیره و تار نفاق را می‌شکافد.

سوم: اراده امت چگونه قوت می‌گیرد؟

با توجه به شرایط ناساز و وارونه، و با توجه به فجایع و شکست‌های پیدری در طول حیات امت، که چه بسا بتوان آن‌ها را از سوی خداوند مایه آزمایش بندگان قلمداد کرد، و با توجه به حضور خناسانی که دائم در گره و سوسه های مردم می‌دمند، با توجه به تمام این‌ها باید گفت که امت نیازمند تقویت اراده خود در جهت پیگیری راه فداکاری و گذر از موانع سخت است. در این بین نهضت امام حسین علیه السلام ابرهای تیره و تار یأس و نومیدی و شک و تردید و القاءات شیاطین انس و جن را همگی از هم می‌گسلد و متلاشی می‌سازد.

اینگونه، ایام عاشورا به بزرگترین ایام خیر و برکت برای امت تبدیل شدند.

ایامی که در آن‌ها پروردگار عالمیان روح ایمان و عزم و اراده جهاد را در نهاد بندگان شایسته خود می‌دمد. از همین روست که در زیارت آقا و امامان ابی عبد الله الحسین علیه السلام می‌گوییم:

«أَشْهَدُ أَنْ زَكَّكَ قُتِلْتَ وَلَمْ تَمُتْ، بَلَّ بِرَجَاءِ حَيَاتِكَ حَيَاتِي قُلُوبُ شَيْعَتِكَ، وَبِضِيَاءِ نُورِكَ أَهْتَدَى الطَّالِبُونَ إِلَيْكَ».

(شهادت می‌دهم که تو بی شک کشته شده‌ای و هرگز نمرده‌ای، بلکه به امید زندگانی تو دل شیعیانت نیز زنده است و به پرتو نور تو هواخواهان به سوی تو رهنمون می‌شوند).

بر ماست که در آستانه یادمان آن حماسه جاوید، مردم را هرچه آشکارتر به الهام گرفتن هرچه بیشتر از عبرت‌های عاشورا و بهره گرفتن هرچه عمیق تر از روح حماسه کربلا و نیرو گرفتن هرچه تمام تر از اراده عاشورائیان یادآور شویم. چه، امام حسین علیه السلام در میان قله‌های بلند بالا، بالاترین آن‌هاست، و هم قله‌های پیرامون ایشان والاتر از مرتفع‌ترین قله‌های جهاد و فداکاری شناخته شده نزد ما هستند.

۱- حضرت زینب: مبارزه و نفی طاغوت

حضرت زینب سلام الله علیها در مسیر این حماسه بزرگ الگویی زنانه ارائه داده و حجت را در نفی ستم و چالش با هزیمت و شکست و مبارزه با طاغوتان بر همه زنان، بلکه بر همه مردان تمام کرده است. در این بین ما باید زندگی آن حضرت را با تجلیل و احترام تمام مورد مطالعه قرار داده و قهرمانی‌های آن حضرت را بازگو نموده تا درسی باشد برای تمام مجاهدان، بلکه برای تمام انسان‌های آزاده. مگر نشنیده اید که حضرت زینب سلام الله علیها چگونه با سخنان خود سیلی به صورت طاغوت شام زد و فرمود:

«وَلَا تَنْبِيَنَّ جَرَسَاتٍ عَالِيَّ الدِّوَاهِيَّ مَخَاطِبَتِكَ، إِنِّي لَأَسْتَمِعُ غَيْرُ قَدْرِكَ، وَأَسْتَعْظِمُ تَقْرِيعَكَ، وَأَسْتَكْثِرُ تَوْبِيخَكَ».

(و اگر مصایب روزگار مرا بر آن داشت که با تو سخن گویم ولی بدان من قدر و مقدار تو را کوچک پنداشته، و سرزنش تو را بزرگ شمرده، و توبیخ کردن تو را بسیار می‌شمارم).

این است حضرت زینب سلام الله علیها.. نماد قهرمانی نادری که در وجود مادرش حضرت زهرا سلام الله علیها به هنگام ایراد خطبه درخشان فدکیه در مسجد پدر بزرگوارشان نیز تجلی یافت. خطبه ای که حضرت زهرا سلام الله علیها در آن اصول و احکام دین و حکمت های کامل آن را بیان داشتند و سخن خود را با پاسداری از خط ولایت و دفاع از حق خویشتن به پایان بردند. چه، فاطمه فاطمه است، فاطمه ای که نظیر او یافت نشود.

۲- آقای وفا و عزتمندی

اما آقای وفا و پدر تمام فضل و عزتمندی، حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام سقای دشت کربلا، به راستی که او به انسانیت معنی کرامت و بزرگی و ارزشهای تسلیم بودن در برابر حق و دفاع تمام قد از آن را آموخت. او مبانی اطاعت از ولی امر و بصیرت های یقین را به انسان یاد داد. آیا نشنیده اید که در گرماگرم پیکار می‌فرمود:

«وَاللَّهِ إِنْ قَطَعْتُمْ يَمِينِي إِنْ نَزِي أُوْحَامِي أَبَدًا
عَنْ دِينِي

وَعَنْ إِمَامِ صَادِقِ الْيَقِينِ نَجَلِ النَّبِيِّ الطَّاهِرِ

الأَمِينِ»

(به خدا سوگند اگر دست راستم را قطع کنید، همواره از دین خود پاسداری می‌کنم، و از امامی با یقین و راستین که فرزند پیامبر پاک امین است حمایت خواهم کرد).

سیره پرچمدار سید الشهداء علیه السلام در کربلا در واقع الهام بخش میلیون‌ها انسان گشته است. او، شیرینی فداکاری در راه خدا و حق و حقیقت و فداکاری در راه امام واجب الطاعه را به میلیون‌ها انسان چشانده است. او که به راستی اسوه عزتمندی و وفا و قهرمانی است.

۳- الگوی ایمان به رهبری الهی

اما فرزند سید الشهداء حضرت علی اکبر علیه السلام، که از نظر صورت و سیرت و سخن گفتن شبیه ترین مردم به رسول خدا بود، با ایمانی استوار به خدا و باور به رهبری الهی امام حسین علیه السلام، در حالی که طاغوت را نفی می‌کرد، دل به امواج مرگ سپرد. وی اینگونه می‌سرود:

«أَنَا عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ مَنَظَرٍ وَبَيْتِ اللَّهِ أَوْلَىٰ بِالذَّبِّ»

تَبَّاللَّهِ لَا يَحْكُمُ فِينَا ابْنُ الدَّعِيٍّ أَضْرَبُ بِالسَّيْفِ
أَحَامِي عَنْ أَبِي

ضَرَبَ غُلَامٍ هَاشِمِيٍّ قُرَشِيٍّ»

(من علی فرزند حسین فرزند علی هستم

به خانه خدا سوگند، که ما به پیامبر نزدیکتر و اولی هستیم

به خدا سوگند که فرزند زنا زاده در میان ما حکومت نخواهد کرد

با شمشیر ضربه می‌زنم و از پدرم حمایت می‌کنم

شمشیر زدن جوان هاشمی قریشی).

۴- مرگ شیرین تر از عسل

این تعبیر قاسم بن الحسن علیه السلام درسی بزرگ برای تمام مؤمنان است، در آنجا که عمویش امام حسین علیه السلام از او پرسید:

ای فرزند برادر مرگ نزد تو چگونه است؟

فرمود:

«يَا عَمَّ أَحْلَىٰ مِّنَ الْعَسَلِ».

(ای عمو شیرین تر از عسل).

وقتی یاران امام حسین علیه السلام یکدیگر را به یاری سید الشهدا تا آخرین قطره خون توصیه می‌کنند، درواقع نشان می‌دهند

که چگونه یک مؤمن می‌تواند بر فراز آسمان عرفان به پرواز درآید، و اینکه چگونه یک مؤمن دین را بر هرآنچه در زندگی وجود دارد حتی زن و فرزند ترجیح می‌دهد.

و این همان معنی والایی است که جملگی وقتی در برابر ضریح امام حسین علیه السلام قرار می‌گیریم عنوان می‌کنیم:

«بِأَبِيَّ أُنزِلَتْ وَأُمِّي يَا أَبَنَ رَسُولِ اللَّهِ،

بِأَبِيَّ أُنزِلَتْ وَأُمِّي يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ،

لَا يَوْمَ كَيَوْمِكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ».

(پدر و مادرم به فدای تو ای فرزند رسول خدا،

پدر و مادرم به فدای تو ای ابا عبدالله،

هیچ روزی چون روز تو نیست ای ابا عبدالله).

این ها سخنانی هستند که ائمه معصوم علیهم السلام درباره امام حسین علیه السلام فرموده‌اند.

اما پرسشی مهم همچنان باقی مانده است: در این مصیبت بزرگ که با ریخته شدن خون بزرگترین بندگان خدا به فجیع‌ترین شکل ممکن رخ داد در نهایت پیروزی با حق بود یا با طاغوت؟

۵- فرجام کار برای پرهیزگاران است

اعتبار حقایق به فرجامشان است، و فرجام کار برای پرهیزگاران و برای بندگان شایسته خدا خواهد بود. مگر حکایت پیامبران در قرآن کریم را نخوانده‌اید که فرجام آنها، جز پیروزی حق و از میان رفتن

باطل نبود؟

درواقع نهضت امام حسین علیه السلام نیز از این قاعده مستثنی نیست، چه، پس از شهادت امام حسین علیه السلام روح جهاد ضد طاغوتان در کالبد امت دمیده شد و انقلابها و قیامها بود که اینجا و آنجا تخت طاغوتان را به لرزه در می‌آورد، روحیه ای که هنوز که هنوز است فاسدان را به لرزه در می‌آورد و به امت نیرویی می‌دهد تا در برابر راه‌های سطحی و نیم بند، ایستادگی کرده و در برابر اشغالگران و تجاوزکاران مقاومت کند. روحیه‌ای که شهادت را به آرزوی گروه بزرگی از مؤمنان تبدیل کرده است.

۶- باب توبه

خداوند متعال در آخرت به واسطه امام شهید دربه‌های بهشت را برای توبه‌کنندگان می‌گشاید، توبه‌کنندگانی که پا به خیمه عزای سید الشهداء علیه السلام می‌نهند و در این خیمه‌های ماتم، زنگار گناه را از جان خود می‌زدایند و دل را صفا بخشیده و جلا می‌دهند و به درگاه الهی توبه‌ای بی‌بازگشت می‌کنند. درواقع این توبه‌کنندگان با گوش‌فرادادن به مصیبت‌های مظلوم کربلا اشک از چشمانشان سرازیر می‌شود و دل‌هایشان خاشع شده و اراده‌شان قوت می‌گیرد. اینان، پیش از این همچون کسی بودند که اراده بالا رفتن از یک تپه ساده را هم نداشت، اما حالا با دیدن انسان‌هایی همانند خود، اما انسان‌هایی که کوه‌های مرتفع را به چالش می‌کشند و از قله‌های بلند، بالا می‌روند، مجهز به عزم و اراده‌ای می‌شوند، که تا محقق شدن هدفشان دیگر دست بردار نخواهند بود.

۷- چراغ هدایت

امام حسین علیه السلام آنچنان است که جدشان پیامبر رحمت صلی الله علیه و آله توصیفشان نمود که:

«بر طرف راست عرش خدای عزوجل [درباره امام حسین] نوشته شده است: چراغ هدایت و کشتی نجات».

کدامین چراغ، پرتوافکن تر و کدامین کشتی سریع تر و وسیع تر از آن است که خداوند متعال به واسطه آن سالانه ده‌ها میلیون نفر را هدایت می‌کند؟

بیرق امام هدایت و درب رحمت الهی و سید جوانان اهل بهشت تا ظهور

فرزندش مهدی منتظر علیه السلام همچنان برافراشته باقی خواهد ماند، در آن روز که روبه روی مرقد شریف جد خود بایستد و با صدایی ربانی که همه جهانیان خواهند شنید ندا دهد که «ای اهل عالم! جد من حسین را تشنه کشتند».

مهدی منتظر علیه السلام با این بیرق پیروزی، انتقام خون جد خود را خواهد گرفت و عدالت و حقیقت را حاکم خواهد ساخت و خداوند سبحان به وسیله او باطل را نابود خواهد کرد. اما ما - تا آن روز موعود - به یاری خدا از رهگذر جهاد روز افزون در راه خدا و تلاش بیشتر در راه محقق شدن اصول عدالت در زمین، فرج شریف آن حضرت را انتظار می‌کشیم.

چهارم: توصیه‌هایی برای یادآوری

پیامی به تمام مردم:

برپاداشتن و زنده نگاه داشتن یاد عاشورا بزرگترین پاداشها را در دنیا و آخرت دارد، چرا که زنده نگاه داشتن این مناسبت به مثابه زنده نگاه داشتن زمین به واسطه نزولات آسمانی است. با زنده نگاه داشتن یاد عاشورا بصیرت‌های وحی و احکام دین و سنت‌های اخلاقی نیز زنده خواهند شد. احیای یاد عاشورا در واقع احیای سیره پیامبر مصطفی و علی مرتضی و فاطمه زهرا و حسن مجتبی و حسین شهید کربلا و احیای سیره دیگر ائمه علیهم السلام می‌باشد.

از همین روست که خطبای حسینی بر منابر عاشورا، نام و یاد دیگر پاکان را نیز از یاد نمی‌برند.

در این بین مردم باید روش‌های جدیدی را در کنار شعائر پیشین ابداع کرده و آن‌ها را وسیله‌ای برای نزدیکی به خدای سبحان قرار دهند تا به رحمت گسترده الهی دست یابند.

پیامی به گردانندگان هیئت‌های حسینی:

ای گرامیان! بر شماست که از رهگذر خلوص نیت و انجام کارهای هیئات به بهترین وجه ممکن و از رهگذر همکاری و تعاون با دیگران به دور از تعصب یا حساسیت‌های بی‌مورد، خدمت خود را وسیله‌ای برای نزدیکی به خداوند سبحان قرار دهید.

پیامی به شعرا و مداحان:

شما باید امید داشته باشید تا در ازای هر بیت شعر که در راه زنده نگاه داشتن یاد عاشورا میسرایید، خانه‌ای در بهشت برین نزد پروردگار سبحان بدست آورید. با این وجود بر شماست که در کنار ارائه درخشان‌ترین تصاویر برانگیزاننده احساسات و عواطف، به صحت اسناد تاریخی در سروده‌ها توجه داشته باشید و ارزشها را در کارتان در نظر بگیرید.

پیامی به خطیبان گرامی:

ای گرامیان! شما باید به سخنان مردم گوش فرا دهید تا نیازهای عقیدتی و اخلاقی ایشان را دریابید و بر این اساس شبهه افکنی‌های شیاطین انس را پاسخ دهید. شما باید از هر ابزاری - از تدبیر در آیات جدیدی که تا کنون پیرامون آنها سخن نگفته‌اید تا تدبیر در آیاتی که پیش از این نیز بدانها پرداخته‌اید - استفاده کنید تا با آمادگی کامل بر سر منابر حاضر شوید. درواقع هر یک از مجالس شما باید بصیرت جدیدی از وحی الهی را دربر داشته باشد.

اهتمام به متون شرعی، به ویژه سخنان حضرت امام حسین علیه السلام، و متون زیارت آن حضرت، و همچنین آنچه ائمه اطهار علیهم السلام درباره آن حضرت و اهل بیت و یاران ایشان فرموده‌اند، نیز باید در دستور کار شما قرارگیرد.

باید با زندگی و مسائل و نقاط ضعف مخاطبان خود آشنا باشید، چرا که این نقاط ضعف باید در همین مجالس و محافل مبارک آسیب شناسی و درمان شوند. سخنان شما که خالصانه و از اعماق قلب برمی‌آید، و البته به همراه دعا برای اینکه خداوند سخن شما را تأثیرگذار قراردهد، این سخنان بی‌گمان به یاری خداوند بر دلها خواهد نشست.